

مذهب و فلسفه هندوان

۲

مذهب بودائی - مؤسس این مذهب شاهزاده «سیدارتا»^۱ از طایفه «ساکیا»^۲ است که به «ساکيامونی»^۳ ملقب است و در حدود ۴۸۰ - ۵۶۰ ق. م زندگی میکرد. ساکيامونی هم در اعمال خود به ریاضت تن در داد ولی اهمیت آنرا بقدر «ماکاوپرا»^۴ ندانست. بودا (یعنی نورانی) روشنائی و فروغ «بودی»^۵ را از راه هوش و استعداد دریافت و همین قریحه وی او را به پیدا کردن علت نیستی و زوال (سمسارا) وادار کرد تا از این راه عات «موکشا» را نیز بیابد. بودا در عصر خود نفوذ کاملی در ارواح پیدا کرد زیرا که خود نیز آینه‌ای از تصورات و تمکرات زمان خویش است و نزدیکی مذهب وی با مذهب «جائی نی» خود دلیلی برین مدعاست و این هر دو مذهب میخواهند از افراط اوپانیساده‌ها در ماوراء الطبیعه و معنویات کاسته و بزندگانگی عملی نزدیکتر شوند.

بزرگترین منظور اصلی بودا رهانیدن بشر از آلام و مصائبی است که گریبانگیر وی میباشد. غم از میل نتیجه میشود چه میل شهوات را بر میانگیزاند و در عقب آنها اندوه می‌آید و میل خود معلول جهالت است و این سلسله همیشه برقرار است و در صورتی کسبخته میشود که شخص بیافتن طریقه کسبختن و شکستن این سلسله دست یابد. تنها راه دست یافتن بر این منظور معرفت است و معرفت نیز حاصل نمیشود مگر از راه تفکر و چون معرفت حاصل شود جهل زائل میگردد و بر اثر زوال جهل میل و بالتبینه الم نیز راه نیستی خواهد سیرد. چون معدوم ساختن میل محرز شد آنگاه روح میتواند بمادواج عالیة خود ترقی یافته به «نیروانا»^۶ نائل گردد. نیروانا حالتی منفی است یعنی منوط بقطع علائق و امیال و آرزو هاست و از این رواج قدیم تا کنون بر افکار گران آمده و در باب آن بحثهای مفصلی شده است.

زندگی اخلاقی در مذهب بودائی مبتنی بر (طریق اعتدال) است و این زندگانی بوسیله روحانیونی بنام فقیر کاملاً عملی میشود و این روحانیان اصلاً بوسیله «ساکيامونی» ترتیب یافته اند. علاوه بر اینان اشخاص غیر روحانی نیز در اینگونه زندگانی داخل میشوند ولی این دسته باید برای تعامیم خود بر روحانیان متوسل شوند. بنابراین چون مذهب بودا با اعتدال و میانه روی متوجه است ریاضتهای سخت را منم میکند و حتی تفکر زیاد در امور ماوراء الطبیعی را مذموم می‌شمارد و از این روی باید گفت که مذهب بودا در عین اینکه بیک غایت دینی متوجه است دارای طریق معتدل فلسفی نیز میباشد. باوجود اینکه بودا با ریاضت شدید موافقت نکرد معهذا برخی از شرائط و مراسم آنرا پذیرفت و این از آنجهت بود که پیروانش یکباره در مادیات منغم نشوند. علاوه بر این خدایان برهمنائی نیز در مذهب بودائی پذیرفته شدند و اگر بودا از این خدایان انتظاری نداشته باشد لا اقل وجود آنان را انکار نکرده است. «برهما» و «اندرا» و «مارا»^۷ سر دسته دیوان و گروه «لوکاپالا»^۸ محافظین

۱ - Siddhārta. ۲ - Śākya. ۳ - Çākyamuni. ۴ - Makāvira. ۵ - Bodhi.

۶ - Nirvāna. ۷ - Māra. ۸ - Lokapāla.

آسمانی، و «ناگا» ها ۱ از درهای مقدس و «کینارا» ها که نیمه انسان و نیمه مرغند جماعی بودا را در آثار وی بکاررفته و زندگی افسانه‌های و آسمانی ایشان را بودا بتفصیل ذکر کرده است.

مذاهب عامیانه و برهمنائی هندوئی - کتاب «مهاباراتا»؟ و «رامایانا»؟ قسمتهای

اصلی اشعار رزمی هندوان را در حدود میلاد مسیح ترتیب میدهد. این کتب که حاوی افسانه‌های ملی میباشند قسمتهای مهم و محتاطی از مذاهب معمولی و عامیانه را نیز محتویند. زمان پیدایش این عقاید معلوم نیست و اولین بار در همین کتب دیده میشوند. این مذاهب مارا بروح و عقیده‌های کاملاً مخالف با آنچه که قبلاً شرح داده ایم آشنا میسازد. این مذاهب بر روی احادیث و نقل و نظر در عالم خلقت مبتنی نیست بلکه بیشتر با امیال شخصی خدایان سروکار دارد. این مذاهب در «مهاباراتا» به «کریشنا» و در «رامایانا» به «راما» منسوب است. کریشنا خدائی است که بیشتر دارای خصائل انسانی است و «راما» نیمه خدائست جنگجو و پهلوان. برهمنیان نیز اندک اندک بدین خدایان انس یافتند و ایشان را بخدایان ودائی نزدیک ساختند و وجه شباهتی بین ایشان و بعضی از خدایان اصلی ایجاد کردند و فی‌المثل «کریشنا» را با «ویشنو» تشبیه کردند که در اوایل امر تنها خدای آفتاب بود و بعدها بروحی عالی و اصلی و روح العالم «پوروشا» نیز خوانده شد در تحت اسم «نارایانا» ۷ و او در آسمان زندگی میکند و گاه گاه برای نیکی و خیر و صلاح آدمیان بر زمین فرود میآید. و از طرفی دیگر «سیوا» ۸ خدای سختگیر مرتض و وحشتناک از همین زمان با «رودرا» ۹ نزدیک و متحد شد و او خدای سرنویشت و تقدیر است و از همین روی او را «ایسوارا» ۱۰ یعنی سرور و بزرگ میخوانند و معتقدند که یرستش او و انجام دادن تشریفات راجع بوی باعث محبتی و لطفی از جانب این خداوند میشود که وسیله آن زوال و نیستی «سمسارا» درهم شکسته میگردد. بهر حال مذهب برهمنائی با این مذاهب و عقاید چنان بدیده اعتبار و صحت نگریست که حتی قطعات حماسی حاوی آنها را مانند قطعات کتاب مقدس شمرد. این دو خدا یعنی کریشنا و سیوا که بر اثر عقاید معمولی پدید آمده و در مذهب باقوت و قدرتی تمام پذیرفته شدند در حدود قرن پنجم اندک در ردیف «برهما» در آمده باوی قوای سه گانه اصیلة عالم را تشکیل دادند بدین نحو که «برهما» سمت خالقیت و «ویشنو» (همان کریشنا) سمت حافظیت عالم خلقت یافته و «سیوا» مخرب جهان کون دانسته شد و بدین طریق تملیتی در قوای اصلی عالم ایجاد شد که بزبان سانسکریت «تری مورتی» ۱۱ خوانده میشود. در اینجا سعی و مجاهدت برهمنان کاملاً آشکار میشود و معلوم میگردد که چگونه سعی کردند دو خدای عوام را در جزء مبادی اولیه مذهب برهما داخل کرده آنها را با «براهمان» سابق خود که در این ایام بشکل «برهما» در آمده سازش داده و شریک کنند.

دبستانهای فلسفی بودائی - (از حدود یکقرن ق. م تا قرن ششم میلادی) مذهب

بودائی چون از هندوستان بنقاط دیگر سرایت کرد نفوذهای خارجی جدیدی را پذیرفت و این نفوذهای خارجی مخصوصاً از زمان ورود طایفه «کوشانا» ۱۲ زیاد شد بخصوص وقتی که شاه ایشان «کانیشکا» ۱۳ (قرن دوم قبل از میلاد) تغییر عقیده مذهبی داد. مذاهب عامیانه که در این ایام مذهب برهمنائی را

۱ - Nāga. ۲ - Mahābhārata. ۳ - Rāmāyana. ۴ - Rama. ۵ - Krichna. ۶ - Pouroacha. ۷ - Nārāyana. ۸ - Çive. ۹ - Roudra. ۱۰ - Içvara. ۱۱ - TrimouÛrti. ۱۲ - Kouchāna. ۱۳ - Kanichka.

احاطه میکردند و در آن نفوذ می یافتند اندک اندک بدخول در عقاید بودائی نیز شروع نمودند. از طرفی دیگر بودائیان نیز کم کم بتفکر در برخی از امور ماوراء الطبیعی که بودا در آنها چنان که باید سخن نرانده و تاریخشان گذاشته بود پرداختند ولی عقاید جدید در نزد تمام پیروان مذهب بودائی پذیرفته نشد. در حدود قرن دوم میلادی پیروان بودا بدو قسمت شدند. قسمت اعظم آنان باین اعتقاد رفتند که باید در قطعات کتاب مذهبی بتفکر و تفسیر پرداخته و بکنه آن پی برد و دسته دیگر که بعد کمتر ندمعتقدند که باید بهمان محتویات کتاب مقدس اکتفا کرد و از آن فراتر نرفت و بتفسیر و تعبیر و بابتفکر زیاد در ماوراء الطبیعه نپرداخت. دسته اولی «ماهایانا»^۱ و دسته ثانوی «هینایانا»^۲ نامیده میشود.

طریقت هینایانا اول در سیلان در حدود قرن

سوم میلادی و بعد در بیرمانی در بین قرون پنجم

و یازدهم میلادی و سپس در سیام در حدود قرن

سیزدهم میلادی منتشر شد. پیروان این طریقت

بیشتر مادی بوده و بقای نفس نیز معتقد نیستند و

خود نیز بدو دسته تقسیم میشوند. دسته اول موسوم

به «وایب هاشیکا»^۳ است که بنوعی از «آنومیسم»

معتقد بوده و علم را از راه درک و حس میسر میداند

دسته دوم «سوتراتیکا» خوانده میشود و بقیده این

دسته استقراء در علم مؤثر است نه حس و نه درک.

طریقت ماهایانا از قرن اول شروع بپیدایش

و ظهور کرده و در قرن دوم میلادی بکشمر

راه یافته و سپس به «نیال» و از آنجا با آسیای مرکزی

(در حدود قرن سوم میلادی) و شرق اقصی (قرن

پنجم میلادی) نفوذ کرد. طرفداران این طریقت

چنانکه دلبه اہم معنوی تر از دسته هینایانا هستند و

اینان معتقدند که برای وصول بسعادت باید مانند

بودا در رشته علل بالا رفته و بوسیله تنویر فکر و

روح بنیروانا نائل شد. فکر تازه و مهمی که در

این مذهب وجود دارد اینست که هر فردی از نظر

قدرت بمثابة بوداست. ساکیامونی (بودا) که در

مذهب اولیه بودائی بیشتر صفت بشری داشت در



مظہر کریشنا

این مذهب صفت خدائی می یابد و حتی پیروان این مذهب بچندین بودا معتقد گشته اند که هر یک بوسیله ای از اشراقات روحانی تظاهر می کنند و همچنین به «بودیساتوا»^۴ ها (بوداهای آینده) که مذهبشان بیش از پیش قوی و نافذ میشود، اعتقاد پیدا کرده اند و از آن جمله اند و متربا،^۵ که بودای عصر آنی عالم خواهد بود و «منجوتری»^۶ که عقل اول و عالی و «کشی گانی ربا»^۷ که قاضی و محاسب روز آخرت

۱ - Mahâyâna - ۲ - Hinayâna - ۳ - Vaibhâchika - ۴ - Bodhisattva - ۵ - Maitreya

۶ - Mandjouçri - ۷ - Kchitigarbha

است و در آسیای مرکزی بسیار مورد پرستش می باشد، و «آوالوکی تسوارا» که وجود رحیم و دادگری است که در کامبودژ، بسیار اهمیت دارد و بنام «لوکس وارا» معروف است. این بوداها و بودیساتواها با یکدیگر زندگی میکنند و زمان و فضای لابنتاهی در دست ایشان است و روزگار هر یک از این بوداها در یک «بهشت» میگذرد. این بود نموداری از فکر معمولی مذهبی ماهايانا ولی فکر فلسفی در این مذهب نیز ایجاد عقاید جدید کرده است و در مذهب ماهايانا چند دبستان فلسفی وجود دارد. یکی از آنها دبستان «آسواکھوشاه» است و این مرد در حدود قرن دوم قبل از میلاد میزیست و روحانی دانشمند و موسیقیدان و شاعر بود و بعقیده او بوداها نظیر وجود مطلقند در رهاییدن بشر از زوال و نیستی (سمسارا) قدرت و تاثیر فراوان دارند. دبستان دیگر دبستان «مادامایکا» است که اصالتش از جنوب هند است و در اواخر قرن دوم میلادی ظهور کرد. بعقیده پیروان این دبستان وجود بمعنی واقعی در جهان خلقت وجود نداشته و عالم جز خلاء و عدم هیچ نیست. شناسائی همین خلاء و عدم خود باعث رهاییدن شخص از «سمسارا» می باشد. بنا بر این این دبستان در گرفتن طرف نفی افراط کرده است. بعقیده طرفداران این مکتوبات و معاول هر دو عاری از حقیقت و هر دو فانی و بالنتیجه ممکن، نیز دور از اصالت و حقیقت میباشد و نتیجه تمام مباحث فلسفی ایشان با اینها منتهی می شود که سمسارا مساویست با نیروانا. در قرن ششم میلادی «آسانگا» نامی دبستانی عرفانی و معنوی ایجاد کرده بنام «بوگاچارا» و می گوید که تصور نوعی از فکر است و عالم نیز جز تصور چیزی نیست و بنا بر این تصور عالم خود نحوه ای از فکر میباشد. بنا بر این باز گشت از فکر هستی و عالم تعین، بقدر عدم و عالم بیعلاقگی و عدم تشخیص همان نیروانا است. آثار اصلی آسانگا بوسیله بودیساتوا مترجمان و ابداع شده است.

مذهب بودائی در بین قرن پنجم و هشتم میلادی — در این ایام بوداتیان

بیشتر مشرب منطقی گرفتند معینا دبستان های سابقی بیشتر در طریقت خود باقی ماندند. دبستان «مادامایکا» همان روش منفی خود را ادامه داد و مکتب بوگاچارا یا «ویجناناوادین» در همان عقیده خود بعدم جهان ظاهری باقی ماند و مرکز مهم مذهبی این گروه اخیر در قرون مزبور «نالاندا» شد. مذهب بودائی از اوایل قرن هشتم چون از حد فکر عوام زیاد بالا رفته و علاوه بر این حامی درستی در هند جز برخی سلاطین جزء نداشت در «نیپال» و کشمیر متمرکز شده و تا زمان ورود مذهب اسلام در هند (قرن سیزدهم میلادی) بقوت خود باقی ماند. در حدود قرن ششم میلادی طریقت «دیانا» در چین نفوذ یافت و در آنجا قدرتی تهیه کرده بزیون رفت. در قرن هشتم بوداتیان بسا حری و غیب گویی زیاد متوجه شدند و علاوه بر این بجای تفکرات پیشین که مبنای وصول بنیروانا بود در این ایام توسل بکتاب مذهبی و قوانین بساحری طریق وصول باین مقام شد و در معابد بودائی پای خدایان متعدد بشدت در میان آمد. در همین ایام است که مذهب بودائی به تبت رسوخ یافته و با عقاید اصلی «لامائی» که در آنجا وجود داشت منطبق و مخلوط گشت. ربه النوع «تارا» که در شرق اقصی دارای نفوذ فراوانی بود در اینجا چون یکی از «بودیساتواها» شمرده شد و همچنین بر عده خدایان سختگیر و خطرناک مانند «داکینی»، «دوژینی»، «۱۲» و امثال آنها افزوده شد.

۱- Avalokitēçvara. ۲- Lokēçvara. ۳- Açvaghocha. ۴- Mādhyamikā. ۵- Asanga.
 ۶- Yogachara. ۷- Vidjñānavādin. ۸- Nālanda. ۹- Dṛyāna. ۱۰- Dakini. ۱۱- Tārā. ۱۲- Yogini.

طریقت‌ها و مذاهب برهمنائی و دبستانهای فلسفی آن — در همانحال که

مذهب بودائی در ترقی و تشعب بود برخی طریقه‌های برهمنائی نیز درهند پدید می‌آمد و توسعه می‌یافت و طریقت‌هایی در آن ایجاد میشد و برخی عقاید و آراء قدیمه بر کرسی می‌نشست و در کتابهای بنام «سوترا» ۱ تدوین میشد و تدوین این رسالات از حدود قرن پنجم میلادی است. قسمت‌های اولیه این سوتراها منسوب است به «جمینی» ۲ که در حدود قرن پنجم میلادی میزیست و او معتقد بود که تنها چیزی که آدمیان را باید از آن اطاعت و انقیاد محض باشد کتاب و داست و نیز معتقد بود که برای دسمساراء علاج و چاره‌ای بهیچ روی وجود ندارد. مفسرین عقاید این مرد تا حدود قرن هفتم و هشتم میلادی بتکمیل عقایدش مشغول بودند.

دیگر از اشخاصی که ایجاد طریقت جدیدی در مذهب برهمنائی کرد «وئی سشیکا» ۳ (قرن دوم میلادی) است و مفسرین او از حدود قرن پنجم تا قرن یازدهم میلادی وجود داشتند. بنا بر عقیده وئی سشیکا «آتمان» یعنی نفوس جزئیة اصولی روحانی و بی‌بهایت هستند و اصول عالیة الهیه بر آنها مقدم می‌باشد. سمسارا بر اثر تصادم ماده جسمی و آتمان روحی ایجاد میشود و تنها جدا کردن آنها است که به آتمان اجازه تحقیق و معرفت کامل به براهمان «همان موكشا» را میدهد. و معرفتی که از طریق تجربی و عملی بدست آمده باشد هیچگاه آورده بصورت باطل نخواهد بود. در قرن یازدهم عقاید وئی سشیکا با عقاید «نیانا» ۴ (قرن سوم میلادی) مخلوط شد. بنابر تعلیمات این دبستان اخیر تجارب و عملیات گاه ممکن است بر اثر برخی امور مورت تصورات باطل شود و بنابراین لازم است که همیشه منطقی را با آن همراه کرد تا بیاری این منطقی خطاها و زلات که از آن سمسارا نتیجه میشود محو و نابود گردد.

دیگر از این دبستانها دبستان «سامکیا» ۵ از عهد پیدایش کتاب حماسی ظهور کرده و قدیمترین کتاب این دبستان «سامکیا کاریکا» ۶ نالیف «ابسواراکریشنا» ۷ (در حدود قرن پنجم میلادی) است. پیروان مذهب سامکیا در اوایل عهد معتقد بیک‌قوه و یک اصل مجرد بودند که این عالم خارجی تظاهری از آن بشمار می‌آید و این تظاهر «پرا کریتی» ۸ یعنی طبیعت نامیده میشود. اما کتاب «ابسواراکریشنا» تقریباً حاوی بگونه عقیده تنوی است و از آن چنین برمیآید که ارواح جزئیة و فردیه «پوروشاه» ۹ (که نظیر همان اصل مجردی است که قبلاً دیده‌ایم و پرا کریتی تظاهری از آن بود) کاملاً مغایر بر اکریتی است و از اتحاد این دو غم و الم بوجود می‌آید و نتیجه غم «سمسارا» است. خیر و سعادت در اینست که شخص بتحصیل حقیقت «پوروشاه» بر دازد و از فید تن خلاص شود. پرا کریتی فقط بعالم خارجی ختم نمیشود بلکه بنفس و عالم معرفت‌النفسی نیز متصل و منتهی میگردد و این همان نظری است که در یکی از «اوپانیشاد» هاودر «ماهاهاراتا» نیز وجود دارد.

از طریقت‌های دیگر طریقت «یوگا» ۱۰ است که به «پاتانجالی» ۱۱ (قرن پنجم میلادی) منسوبست که «دیسپیلین» های جسمانی مرتاضین سابق را با «دیسپیلین» های روحانی جدید جمع نموده و بخدائی مشخص بنام «ابسوارا» ۱۲ «همان سیوا» معتقد شد و او را روحی عالی و مشخص دانست و منظور غائی عرفانی او اینست که شخص بوسیله تمرکز قوای روحی خود بتحقق عالم کبیر درخود بر دازد. طریقت دیگر بطریقت «ودانتا» ۱۳ معروف است که مؤسس آن «بادارایانا» ۱۴ (در حدود

۱ - Sôtra . ۲ - Djaimini . ۳ - Vaiçechika . ۴ - Nyâya . ۵ - Sâmkhya

۶ - Sâmkyakârîka . ۷ - Içvarakrîchna . ۸ - Prakriti . ۹ - Pouroucha . ۱۰ - Yoga

۱۱ - Patandjali . ۱۲ - Içvara . ۱۳ - Vêdânta . ۱۴ - Bâdarâyana

قرن پنجم میلادی) است. بنابراین طریقت اصل کلی عالم خلقت «برهمن» است که در افراد نیز به عنوان (آتمان) وجود دارد و تحقیق «موکشا» مبتنی بر شناختن برهمن و بالنتیجه تمیز تصورات باطل از افکار صحیح است. از میان تمام این طریقت‌ها طریقت ودانتا صاحب مفسرین و مدافعین قوی و متعدد مانند «سانکارا»^۱ (۷۸۸-۸۲۰ میلادی) شد و از این‌روی نفوذی عظیم در میان هندوان یافت و هنوز هم در قوت خود باقیست.

در همین حالیکه مذاهب معنوی فوق وجود

می‌یافت برخی مذاهب مادی نیز به‌ر صفت ظهور می‌سید چنانکه مذهبی بنام «چارواکا»^۲ (قرن چهارم میلادی) فنای روح را اثبات می‌کند. ولی مهمترین دسته از این‌عده اخیر «توتامرا»^۳ هستند که در حدود قرن پنجم میلادی در کجرات پدید آمدند و کتاب رسمی مذهبی ایشان در قرن ششم نوشته شد و مهمترین مفسرین این گروه یکی «هاریب هادرا»^۴ (۸۵۰-۹۰۰ میلادی) و دیگری «هماچاندرا»^۵ (۱۰۸۸-۱۱۷۰) می‌باشد. نظیر این گروه از جهت قوت و نفوذ طبقه، دیگر «بارا»^۶ است ولی این دسته اخیر از قوم اولی عقبند. در همین ایام پیروان مذهب جانی‌نی نیز در تاجر درامور منطقی پرداختند و عقاید مادی جدیدی آوردند و بتعدد و تحقق تعدد در خارج معتقد شدند.

طریقه هندوئی (از قرن ۱۱ الی قرن

۱۹ میلادی) - طریقه هندوئی بهمان مذهب برهمنی گفته می‌شود منتهی از جهت اینکه عقاید و مذاهب

عامیانه را نیز در آن داخل و با آن مزوج کرده مظهر بودیساتوا و آوالوکی تسوارا (در جاوه) صورتی نو بآن داده‌اند و البته در غیر این صورت چون مذهب برهمنی بشعب متعدد تقسیم شده و اختلافات فراوان در آن بوجود آمده بود که راه فنا گیرد و یا بضعف شدید گراید.

عقاید ویشنوئی و سیوانی در ادبیات موسوم به «پورانا»^۷ کاملاً مشروح است و این ادبیات دائرة المعارف کاملی برای تبیین عقاید مربوط بدو دسته فوق بشمار می‌آید و تاریخ آن نیز از حدود قرن هفتم میلادی شروع می‌شود.

پورانای ویشنوئی کیفیتی اختلاطی دارد ولی از میان مواد اصلی اختلاط ادبیات و عقاید ودائی دارای غلبه و نفوذ بیشتری است و بنابراین پوروشای عالی (که در اینجا ویشنو نامیده می‌شود) اصل مطلق عالم است و عالم را خلق کرده. ولی مذهب سیوانی برعکس ویشنوئی تنوی است و بنابراین

۱ - Çankara. ۲ - Tchârvaka. ۳ - Çvetâmbara. ۴ - Haribhadra.

۵ - Hématchandra. ۶ - Digambara. ۷ - Pôurana.

